

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

مقایسه دو بدیعیه در ادب

(ص ۳۲۷-۳۴۲)

عباسعلی وفايي^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده:

قصاید فنی از هنرترین قصاید زبان فارسی بشمارند و در آنها اغلب صنایع و فنون ادبی درج شده است. این قصاید ضمن نمود هنر شعری شاعران، از گنجینه‌های ماندگار فنون ادبی محسوب میشوند؛ از طریق این قصاید در زمانهایی خاص، گسترش فنون ادبی و ایجاد رغبت رقابت و در نتیجه حفظ و ترویج فنون ادبی، میسر شده است. سهم پیشروان این فنون ادبی و سپس پیروان آنها در آفرینش این هنر زبانی و شعری بر کسی پوشیده نیست. چنانچه به کتابهای فنون ادبی گذشته توجه شود، اغلب نمونه‌های شعری، از این قصاید برگرفته شده‌اند اما از حیث تحول و تطبیق کمتر به این قصاید پرداخته شده است. تحقیق و تتبعی که میتواند به غنای بیشتر ادبی منجر شود. این مقاله میکوشد که از میان قصیده‌پردازان پیشرو و پیرو، سلمان ساوجی و حافظ علی بن نور را مورد بررسی قرار دهد و دو قصیده پر فن آنها را از حیث کمی و کیفی تطبیق نماید.

کلمات کلیدی: فنون ادبی، قصاید مصنوع، زحاف، بحر، سلمان ساوجی، حافظ علی بن نور

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی a_a_vafae@yahoo.com

مقدمه:

قصاید فنی گونه‌ای از قصاید بوده‌اند که در سرایش آنها شاعر دانشهای بدیعی و عروضی دوران خود را بکار می‌گرفته است؛ در اینگونه قصاید مجموعه‌ای از صناعات ادبی و اوزان و دوایر عروض - به تکلف - گنجانده می‌شده است؛ تکلف شاعر در خلق چنین قصایدی موجب شده است این اشعار از مفاهیم بلند شاعرانه تهی باشند و قصاید مصنوع بیشتر ارزش بدیعی و عروضی داشته باشند تا معنایی و محتوایی.

قصیده‌های فنی، نخستین بار در زبان و ادبیات عرب بوجود آمده است. توصیفهای بی‌بدیل در موضوعات گوناگون و رقابت شاعرانه در پیش‌تازی از همانندان، شاعران عرب را به خلق آثار بدیع و فنی سوق داده است. مسأله مهم در این قصاید پرداختن به صورت و صنعت و نهادن صناعات هنر شعر در قصیده - که عنوان مصنوع و فنی یافته‌اند - بوده است. در حوزه نثر نیز جلوه کلام هنری را در مقامات می‌یابیم؛ این نوع (genre) نیز مانند قصاید فنی از سوی نویسندگان پارسی‌پرداز تقلید شد و آثار فراوانی به پیروی از زبان و ادب عرب آفریده شد؛ بهر حال سرودن قصاید فنی در زبان فارسی از اواخر قرن ششم آغاز می‌شود؛ زمانی که نظم و نثر هر دو در قالب تکلف و متفاوت از گذشته ظهور می‌یابند. مرحوم صفا مینویسد: «چنانکه میدانیم در اواخر قرن ششم توجه به ساختن اشعار مصنوع و مخصوصاً قصایدی همراه با صنایع، شیوع یافت و بعضی از شاعران علاوه بر توجه به ایراد صنایع - خاصه انواع تشبیهات، استعارات، مجازها، ایهامها و التزامات دشوار و امثال اینها - شروع به ساختن قصایدی نمودند که مشتمل بر صنعت‌های گوناگون علی‌الخصوص صنایع لفظی باشد.» (صفا، ج ۳، بخش ۱، ص ۳۳۸)

این قصاید خود گنجینه‌ای غنی از امثال صنایع ادبی و فنی است و ارزش آنها زمانی هویدا می‌شود که بررسی جامعی در فنون ادبی این قصاید شود و مثالهایی که ساخته ذهن خلاق قصیده‌پردازان فنی است، استخراج گردد. در این قصاید شاعران مقلد - برای نشان دادن قدرت و قوت شاعری، در خلق قصاید بدیعی - با تقلید از گذشتگان، همواره بر آن بوده‌اند که خود را برتر و قویتر از گذشتگان نمایند؛ اینان همواره در گونه‌های مختلف این فن، فنون ادبی بیشتری می‌آفریدند و از حیث کمی و گسترش ابیات نیز از گذشتگان سبقت می‌گرفتند (مراجعه شود به نسخه خطی شماره ۱۳۰ و ۲۱۲۹ مجلس).

چرا مقایسه و مطالعه قصیده سلمان ساوجی و حافظ علی بن نور؟

سلمان از استادان اصلی این فن بشمار می‌آید و قصیده «بدایع الاسحار» او در روزگار وی مشهور بوده است و پس از آن فراوان مورد تقلید قرار گرفته است و از سویی حافظ علی بن نور از حیث کمی پرکارترین شاعر در این فن بوده است و سه قصیده مطرح در این فن دارد. خاصه آنکه در قصیده خود تصریح کرده است که به رویه سلمان ساوجی این قصاید فنی را سروده است. (وفایی، ۱۳۸۲: ۶۹)

بنابراین با عنایت به انگیزه اصلی مقلدان در پیش‌تازی از مقتدایان، بررسی دو قصیده از این دو تن در ابعاد کمی و کیفی و پاسخ به پرسشهای زیر مشخص خواهد نمود که آیا حافظ علی بن نور توانسته است در این فن به استاد خود نزدیک شود یا خیر؟ اگر چنین بوده است در کدامیک از فنون؟ و اگر کوتاهی و پس‌ماندگی‌ای بوده است، در کدامیک از صنایع ادبی است؟ لذا پرسشهای اجمالی این تحقیق جهت تطبیق و سپس توصیف فنون ادبی موجود عبارت خواهد بود از:

۱. کمیت ابیات و بندهای اصلی و ابیات مستخرج در دو قصیده چگونه است؟
 ۲. در صنایع ادبی سهم کدامیک بیشتر و برتر افتاده است؟
 ۳. در بخش مربوط به محور عروضی و زحافات شعری جایگاه آن دو چگونه است؟
 ۴. از حیث ترکیب‌سازی و تصویرآفرینی سهم کدامیک قویتر مینماید؟ و یا ویژگیهای زبانی آنها چگونه است؟
 ۵. قصاید آن دو چه محتوا و مضمونی دارند؟ و هدف آنها از آفرینش چه بوده است؟ و به‌طورکلی برخی توصیفات دیگر که به شناخت آن دو و جایگاهشان در این فن میانجامد، کدام مواردند؟
- در ادب فارسی «**قوامی مطرزی**»^۱ را نخستین شاعری میدانند که به خلق قصیده «بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار» در مدح قزل ارسلان همت گمارد. بعد از وی شاعر نکته سنج قرن هفتم یعنی «**ذوالفقار شروانی**»^۲ قصیده‌ای در مدح صدرالماستری^۳ سرود و در قبال آن هفت خروار ابریشم از ممدوح خود برسم صله دریافت داشت، قصیده شروانی چون دیگر قصاید فنی بهره مند از توشیحات و دوایر ششگانه و زحافات گوناگون و ابیات مستخرج از متن اصلی قصیده بود. پس از ذوالفقار شروانی، شاعر قصیده‌پرداز و غزل‌سرای قرن هشتم «**سلمان ساوجی**»^۴ در سن جوانی یعنی بیست و شش سالگی بر آن شد تا قدرت و تفوق خود را بنماید؛ لذا با خلق قصیده‌ای متفاوت و سرآمد نسبت به گذشتگان راه نوی را گشود؛ او کوشید تا در قصیده خود فنون ادبی بیشتری را بیافریند و مقتدای پسینیان گردد و آنان را به تقلید و پیروی از خود کشاند یکی از این مقلدان «**درویش منصور**» از شاعران قرن نهم است که البته نتوانست به استاد و پیشرو خود نزدیک گردد.

^۱ محمد یا احمد خباز گنجی ملقب به قوام الدین و مکنی به ابوالفضایل و موصوف به استاد الشعرا؛ از سخنوران نامی قرن ششم هجری و برادر یا عمو یا عموزاده نظامی گنجوی است. (به نقل از لغت نامه)

^۲ ذوالفقار شروانی (شیروانی): سیدی است فاضل و کامل و معاصر حکیم خاقانی شروانی و فلکی شروانی و جمال‌الدین اصفهانی در قواعد صنایع و بدایع شعری استاد و مخترع بوده و شعرائی که بعد از او آمده‌اند مانند اهلی و سلمان از او تتبع کرده‌اند. وفاتش در سنة ۶۷۹ هـ. ق. و قبرش در سرخاب است. (به نقل از لغت نامه)

^۳ صدرالماستری: وزیر شروانشاه در دوره خاقانی و ذوالفقار و فلکی شروانی.

^۴ سلمان ساوجی: از شاعران بنام قرن هشتم که قصاید زیبا و استوار خود را بیشتر در مدح خاندان جلایریه ساخته است او معاصر حافظ است و شیوه سخن‌پردازی او بر انواع ایهام استوار شده است.

در قرن دهم «حافظ علی بن نور»^۱ با شوقی که در خلق قصاید بدیعی، یافته بود سه قصیده با ذکر تقلید از رویه سلیمان ساوجی آفرید وی در مقدمه قصیده، زبان تمجید می‌گشاید و سلمان را حضرت قدوة المتأخرین و زبدة المتبحرین می‌خواند (وفایی، ۱۳۸۲: ۱۰) همچنین پس از حافظ علی بن نور «اهلی شیرازی»^۲ نیز دو قصیده ممتاز در این صنعت خلق مینماید او نیز در آغاز قصیده بدیعی خود به جایگاه بلند سلمان در قصاید فنی پرداخته، می‌گوید: «بعد از فراغ مطالعه مشاهده صنایع و بدایع قصیده مصنوع که رقم زده ملک لطایف شعار، مفخر الشعرا خواجه جلال الحق و الدین سلمان ساوجی است الحق هر بیت آن بحری گوهر است... (دیوان اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۷۷۵) نتیجه آنکه اغلب شاعران به تتبع از سلمان ساوجی به خلق این آثار بدیعی پرداخته‌اند؛ افزون بر شاعران مذکور امامی‌هروی (قرن ۷)، بدرالدین جاجرمی (قرن ۷)، جمال‌الدین سمرقندی، فریدالدین احوال (قرن ۷) و سراجی سگزی نیز از جمله شاعرانی‌اند که در این عرصه آثاری از خویش به یادگار نهاده‌اند.

محتوای دو قصیده:

آغاز قصیده سلمان، تغزل است و شامل موضوعاتی چون توصیف روی و موی و گیسوی مشکین و زلف و لعل و خال و قامت و غم هجران و شوق دیدار محبوب و نهایتاً دعوت به نشاط و شادمانی در فصل بهار است. در بند سی و چهار قصیده با بیان بیت تخلص با ابیات زیرین:

اگر نه باد بهار است روح بخش چــــرا پذیرد از اثر او چمن ز جان آثار
تشبّهی است هــــوای نسیم را به عبیر مگر که کرد به خاک پای جناب خواجه گزار
مشیر کلک فلک دستیــــار بخت جوان وزیر راست سخن عالی فلک مقدار
(وفایی، ۱۳۸۲: ۲۶)

به مدح ممدوح میرسد؛ سلمان در این بخش قلم، تیغ، استظهار دین و دولت به قدرت و به اطاعت واداشتن دشمنان و همچنین سخنوری ممدوح - که آب شکر برده - و کرم و بخشش و بسیاری از صفات دیگر را به ممدوح خود نسبت می‌دهد و او را میستاید و تمام ابیات دوایر ششگانه را به توصیف و

^۱ حافظ علی بن نور: امیر علیشیر نوابی در مجالس النفاثس گفته است: وی ولد مولانا نور است که میر ذکر لطائف او کرده. فی الواقع که از بی نظیران است. و قصاید مصنوع خواجه سلمان را بارها جواب گفته و خوش طبعان او را در معنی مسلم می‌دارند. (به نقل از لغت نامه)

^۲ اهلی شیرازی: از شاعران معاصر با شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی بوده است و مؤلف آتشکده آذر در باره او می‌گوید: مولانا اهلی سرآمد فضلالی زمان و سردفتر فصحای سخندان و در فنون شعر در کمال مهارت است. قصاید مصنوع در مقابل سید ذوالفقار شیروانی و خواجه سلمان ساوجی در مدح امیر علیشیر نوابی گفته و به از هر دو گفته است.

مدح وزیر میکشانند در نخستین قطعه سه بیتی برآمده از توشیح اوایل قصیده در دعای بر ممدوح میسراید:

خاتم حکم تو دارد ملکت جم در نگین
بر نگین خاتمت مهر مخلص باد و هست
مهر عنوان ابد طغرای منشور ازل
نام و القاب غیاث الدین محمد باد و هست
(وفایی، ۱۳۸۲: ۴۱)

قصیده حافظ علی بن نور که به تقلید از این قصیده سلمان سروده شده است، در پرداخت به موضوعات نیز پیرو است. ابتدای قصیده مانند سلمان، توصیف روی و موی و قامت و زلف و بلای هجر و شوق دیدار را دارد و از بند چهل و نه قصیده، با یادکرد نام ممدوح در ابیات زیر:

دلَم ز جور مکن خون و گرنه شرح کنم
به شاه روی زمین خسرو فلک مقدار
لطیف خلق و حسن طبع شاه اسماعیل
دلیل رهبر دین پادشاه ذی الاعشار
(وفایی، ۱۳۸۲: ۸۶)

به مدح میگیرید و صفات ممدوح خود را شامل یاریگری دین، داشتن آتش قهر در برابر دشمنان و شکارگری آنان و سروری عسکر اسلام و قمع و قلع لشکر اشرار و احسان و محبت و نیکوکاری به رعیت و رعایت خاطر آنان، میدانند. او دقیقاً همانند سلمان ساوجی مصراعهای مستخرج از دوایر سته را به مدح ممدوح اختصاص داده است. البته مقایسه نشان خواهد داد که استواری کلام سلمان ساوجی در تصویر آفرینی در بخشهای مختلف بسی بیش از حافظ علی بن نور است. نهایتاً قصیده با این بند در توجه به ممدوح پایان می‌یابد:

زهی بنای کلامم که گشت از تورفیع
رَسید پایه شعرم به گنبد دوار
شها مدار سخن بر دعاست عیشی را
چرا که دیده و اقبال و دولت تو مدار
(همان: ۹۵)

ویژگیهای زبانی:

زبان عنصر اصلی پیوند تخیل و احساس در هنر شعر است. ترکیبهای آشنایی زدایانه و خروج و حرکت واژگانی از قرارگاه اصلی در زنجیره زبانی، آن را از صورت موسوم و معمول خارج مینماید هنری و برتر میسازد. این اتفاق ممکن است شاعر را به ویژگیهایی از زبان و شعر منتسب دارد که از آن به سبک و زبان شاعر تعبیر میشود. در کنار بررسی خصایص گوناگون قصیده مصنوع سلمان ساوجی بعنوان پیشرو و حافظ علی بن نور بعنوان پیرو، بررسی ویژگیهای زبانی نیز بجهت نمود این مطلب که چه میزان حافظ بعنوان پیرو توانسته است به استاد خود نزدیک شود یا برتر قرار گیرد؟ سزاوار مینماید.

بجهت عدم اطاله - چون موضوع اصلی نیست - فقط به یک بند نخست اشعار دو شاعر در قصاید مورد تحقیق پرداخته میشود:

بند نخست قصیده سلمان:

صفای صفوت رویت بریخت آب بهار هوای جنت کویت بییخت مشک تترار
اگر خبر ز صفای تو گلستان دارد گل از حیاء رخت جاودان نیارد بار
صفای صفوت رویت صفات گلستان دارد
هوای جنت کویت حیات جاودان دارد

(وفایی، ۱۳۸۲: ۱۶)

بند نخست قصیده حافظ علی بن نور:

شراب شربت ذوقت شفاست‌ای دلدار عذاب محنت شوقت بلاست بی‌مقدار
از آنکه جان ز تو اندوه جاودان دارد مرا غم تو به دل ناگهان دارد بار
شراب شربت ذوقت شفای جاودان دارد
عذاب محنت شوقت بلای ناگهان دارد

(همان: ۶۹)

ترکیبات مهم و شاعرانه دو قصیده عبارت است از:

حافظ

شراب شربت ذوقت
عذاب محنت شوقت

سلمان

صفای صفوت رویت
هوای جنت کویت

تناسب صفوت رو با صفا تناسبی روان و شاعرانه است و نسبت صفا و روشنی و صافی به رو، تصویری زیبا و مرسوم است اما نسبت شربت ذوق و شراب به نوعی حشو مینماید. این نسبت، با مضامین دیگر بیت نیز بی‌تناسب است.

در مصراع دوم سلمان همانند مصراع نخست به تشبیه تفضیل نظر دارد و کوی ممدوح را به جنت تشبیه میسازد و هوای خوش آن را برتر از مشک تترار مینهد. حافظ علی بن نور در مصراع دوم بی‌تناسب با مصراع نخستین شوق به ممدوح را عذاب آور میخواند و محنت‌زا، چیزی که معمولاً در شوق کمتر به نمود آمده است.

دو مصراع سلمان چون دو کفه ترازوست که پیام موجه و مشخصی میدهد: زیباتر بودن روی ممدوح نسبت به بهار و خوشبوتر بودن کوی وی نسبت به مشک تترار. در حالیکه در مصراع اول با دوم شعر حافظ علی بن نور این تناسب وجود ندارد و پیوند زنجیره‌ای معنا، پدیدار نیست.

در ابیات دوم همچنین عدم پیوند معنایی و واژگانی در شعر حافظ علی بن نور دیده میشود و به عکس استواری زبانی و معنایی در شعر سلمان آشکار است. حافظ دو واژه در ترکیب بیت اول و دوم آورده است که زبان شاعر را سست میکند؛ «بی‌مقدار» در بیت نخست میتواند دو نقش نحوی داشته باشد با دو معنی: صفت برای عذاب یا منادا؛ در زبان فارسی معمولاً صفت پیش از فعل بکار میرود و

آوردن آن پس از فعل هر چند هنجار‌گریزی نحوی ایجاد کرده است، در این بیت موهوم معنایی متضاد میشود که با هدف شعر (مدح) سازگار نیست؛ افزون بر این «بی‌مقدار» در نقش صفتی نیز دو معنی دارد: یکی به معنی زیاد است و غیر قابل شمارش و دیگری به معنی کم و ناچیز.

در بیت بعدی نیز واژه «بار» ترکیبی غیرشاعرانه و ناسخته‌ایست که از حیث زبانی، در پیوند با مصراع تعبیر چندگانه‌ای می‌یابد و همچنین آوردن واژه «ناگهان» نیز بنظر میرسد برای املاء وزن است و پیوند معنایی مناسبی با بیت ندارد.

نتیجه آنکه زبان شعری سلمان شاعرانه‌تر و پرداخته‌تر از حافظ علی بن نور است و علی بن نور نتوانسته است خود را به استاد نزدیک سازد.

تعداد ابیات و بندهای قصاید:

تعداد کل ابیات قصیده سلمان ساوجی ۱۹۸ بیت است و افزون بر آن شش مصرع دوایر سته و همچنین بیست بیت مستخرج از حشو و توشیح دارد.

اما تعداد ابیات قصیده حافظ علی بن نور بیشتر از سلمان ساوجی است. قصیده حافظ متشکل از ۷۳ بند یک تا هشت بیتی است و کل ابیات قصیده ۳۱۵ است و شش مصرع مستخرج نیز برای دوایر سته دارد. چنانکه مینماید تعداد ابیات حافظ یک سوم بیشتر از اشعار سلمان است. تقریباً چهل بیت نیز، ابیات حاصل از توشیح و حشو مصارع دارد که در پایان قصیده احتمالاً بجهت سهو کاتب آورده نشده است. (مراجعه به نسخه خطی شماره ۲۱۲۹ مجلس شورای اسلامی)

فنون شعری در دو قصیده:

بخش صناعات ادبی مهمترین مبحث قصاید فنی است؛ این بخش به‌همراه محور عروضی بعنوان دو عنصر اصلی در ساخت اینگونه اشعار محسوب می‌گردند؛ چنانکه در جدول مقایسه‌ای زیر مشخص است سهم حافظ علی بن نور در این مورد نسبت به سلمان ساوجی بیشتر است. وی توانسته است اغلب صناعات شعری را در قصیده خود جای دهد و آنها را بیافریند. تقریباً چهل صنعت شعری را بیشتر از سلمان آورده است و این چهل صنعت از مهمترین مباحث در فنون شعری است فنونی چون: لف و نشر، ملامع، ارسال المثل یا مثلین، خیفا، رقطا، سوال و جواب، مدح موجه، مقابله، سحر حلال، تکرار، محتمل الضدین، لزوم یا لا یلزم^۱ و ... از مباحث عمده در صناعات شعریست که حافظ علی بن نور با آفرینش قصیده خود - بی‌آنکه چون اهلی شیرازی بیان دارد که در مواردی گوی سبقت از سلمان ربوده است - به استخدام آنها پرداخته و هنر خود را نمایش داده است. جدول زیر بصورت مقابله، بکارگیری صناعات ادبی در دو قصیده را نشان میدهد. خط تیره به منزله نبود فن ادبی و ستاره به معنی کاربرست آن است.

جدول صناعات ادبی

حافظ علی بن نور	سلمان ساوجی	نام صناعات ادبی
*	*	ترصیع با تجنیس
*	*	ترصیع با اشتقاق
*	*	تجنیس تام
*	*	مراعات النظیر
*	*	تجنیس ناقص
*	*	محجوب
*	*	موازنه
*	*	تجنیس زاید
*	*	تجنیس مکرر
*	*	تجنیس مرکب
*	*	تجنیس مطرف
*	*	شبه اشتقاق
*	*	سجع متوازی
*	*	سجع مطرف
*	*	تجنیس خط
-	*	سجع موازنه
*	*	مدح شبیه به ذم
-	*	موصول طرفین
*	*	ایهام
-	*	مصراع اول یک حرفی
*	*	مصراع دوم دو حرفی
*	*	مصراع سوم سه حرفی
*	*	مصراع چهارم چهار حرفی
*	*	موصول کاسنان المنشار
*	*	تضمین مزدوج
*	*	تشبیه کنایت
*	*	تشبیه مشروط

*	*	تشبیه مطلق
*	*	تشبیه تفضیل
*	*	تشبیه اضمار
*	*	تشبیه عکس
*	*	متضاد
*	*	حشو ملیح
*	*	مفرد اللغین
-	*	ردالعجز علی الصدر نوع اول
-	*	ردالعجز علی الصدر نوع دوم
-	*	ردالعجز علی الصدر نوع سوم
-	*	ردالعجز علی الصدر نوع چهارم
*	*	تجاهل العارف
*	*	حسن تخلص
*	*	سیاقه الاعداد
*	*	استعاره
*	*	مقلوب بعض
*	*	مقلوب مجنح
*	*	رقطا
*	*	اغراق الصفة
*	*	طرد و عکس
*	*	تنسیق الصفات
*	*	جمع المفرد
*	*	حسن تعلیل
-	*	تقسیم و تفریق
*	*	جمع و تفریق
*	*	تقسیم المفرد
*	*	جمع و تقسیم
*	*	جمع و تقسیم و تفریق
*		اقتباس

*	*	لغز
*	*	معما
*	*	تفسیر
*	*	تفسیر جلی
-	*	اقتباس از حدیث
*	-	مضلع مربع
*	-	تجرید
*	-	مقابله
*	-	تعطیل
*	-	مقلوب کل
*	-	مقلوب مستوی
*	-	التفات
*	-	جامع الحروف
*	-	لزوم ما لا یلزم
*	-	تفریق المفرد
*	-	تفسیر خفی
*	-	حسن مقطع
*	-	ارسال المثل
*	-	ارسال المثلین
*	*	ذو بحرین
*	-	ذو قافیتین
*	*	سحر حلال
*	-	تکرار
*	-	تدارک
*	-	محتمل الضدین
*	-	لف و نشر
*	-	ملمع
*	-	تعطف
*	-	خیفا

*	-	سؤال و جواب
*	-	تعجب
*	-	موصول طرفین
*	-	تقسیم
*	-	مدح موجه
*	-	کلام جامع

بحور عروضی در دو قصیده:

در این بخش به بررسی بحور عروضی^۹ بکار رفته در دو قصیده میپردازیم. بحور عروضی در هر دو قصیده دارای تنوع است. تمام بحور مشهور به همراه زحافات آنها در هر دو بکار گرفته شده است. تعداد بحور عروضی بکار رفته در قصیده سلمان ساوجی نوزده بحر است و در شعر حافظ علی بن نور نیز همین تعداد است لیکن در دو مورد متفاوتند که آن دو در جدول زیر قابل مشاهده است. نکته‌ای که قابل ذکر است اینست که سلمان هنر بیشتری در آفرینش خوانش بیت مستخرج، در سه بحر متفاوت نموده است و آن بیت در اغلب کتابهای عروضی و فنی یاد شده است با این عبارت:

لب تو حامی لؤلؤ خط تو مرکز لاله شب تو حامل کوکب مه تو با خط هاله
(وفایی، ۱۳۸۲: ۱۹)

که آن را در سه بحر مجتث مخبون و هزج مثنی سالم و رمل مخبون میتوان خواند. در قصیده حافظ علی بن نور سه بحری نیامده است ولی در دو جا دو بحری ذکر شده است. کمتر شاعریست که توانسته است بیتی را بیافریند که قابل خوانش در سه بحر باشد و این هنر به سلمان ساوجی باز بسته است و به همین جهت تنها این مثال بیتی است که در این مورد کتب فنی را موشح نموده است. (مراجعه شود به بدایع الافکار و ...) جدول زیر نمایه بحور بکار رفته در دو قصیده است:

جدول بحور عروضی

نام بحر	سلمان	حافظ
هزج	*	*
رجز	*	*
رمل	*	*
مقارب	*	*
مضارع	*	*
منسرح	*	*
مجتث	*	*

*	*	مقتضب
*	*	سریع
*	*	قریب
*	*	متدارک
*	*	کامل
*	*	خفیف
*	*	طویل
*	*	مدید
*	*	بسیط
-	*	عکس طویل
*	*	وافر
-	*	جدید
*	-	غریب
*	-	مشاکل

زحافات شعری در دو قصیده :

از مقایسه زحافات مربوط به دو قصیده مشخص میشود که حافظ نسبت به سلمان ساوجی از زحافات بیشتری بهره‌مند است و تقریباً اغلب زحافات را در ابیات مستخرج قصیده آورده است. سلمان بصورت پراکنده هجده زحاف از زحافات مشهور را - که اغلب به اوزان پرکاربرد مربوط میشود - آورده است اما حافظ علی بن نور سی و یک زحاف در قصیده خود جای داده است که برخی از آنها کمتر در شعردیگران آورده شده است. حافظ علی بن نور سه زحاف مجحوف و ابتر و مرفل را در مقایسه با قصیده سلمان ندارد لیکن سیزده زحاف بیشتر از سلمان ساوجی در ساخت وزن و بحرهای مستخرج ابیات استفاده کرده است. نتیجه آنکه حافظ علی بن نور در این بخش از استاد خود پیشتاز است؛ سلمان نیز در ساخت قصیده «بدایع الاسحار» در اکثر خصایص فنی قصیده، نسبت به گذشتگان خود پیشتازی داشته است حافظ از این حیث گوی سبقت از مقدم خود ربوده است.

جدول زحافات دو قصیده

نام زحاف	سلمان	حافظ
مطوی	*	*

*	*	موقوف
*	*	مخبون
*	*	مسغ
*	*	اخر ب
*	*	مكشوف
*	*	محذوف
*	*	مقصور
*	-	اثرم
*	-	مقطوف
*	-	اعقص
*	-	منقوض
*	-	معصوب
*	-	مخزول
*	-	احدّ
*	-	مقطوع
*	-	مرفوع
*	*	مقبوض
*	*	منحور
*	*	مجدوع
*	*	اصلم
*	*	ازل
*	-	اثلّم
*	-	اشتر
*	-	مخلوع
*	*	مشكول
*	-	اخرم
*	-	موقوص
-	-	اهتم
-	-	معقول

-	-	اجمّ
-	*	مجحوف
-	*	ابتر
-	*	مرقل

توشیح و حشو مصاریع قصاید سلمان و حافظ علی بن نور:

سلمان از توشیح^۱ مصاریع قصیده خود و همچنین از حشو^{۱۱} آنها سه قطعه شعری استخراج نموده است: قطعه نخست که از توشیح مصاریع ساخته شده است سه بیت دارد؛ مضمون این قطعه مدحی و دعا در حق ممدوح اوست و استادانه در مصراع آخر قطعه با آوردن نام ممدوح خود یعنی غیاث الدین محمد هنر شعری خود را بیشتر مینماید:

مهر عنوان ابد طغرای منشور ازل نام و القاب غیاث الدین محمد باد و هست
(وفایی: ۴۲)

در قطعه دوم که از حشو مصاریع بدست داده است هشت بیت استخراج نموده و کل قطعه خالی از «الف» است؛ محتوای کلی این قطعه نیز مدح ممدوح و ستایش بخشش و نیرومندی او در تقویت شرع و مملکت است؛ قطعه سوم نیز که از حشو مصاریع برخاسته است، نه بیت دارد، جز بیت نه که توصیف قطعه است تمام ابیات خالی از نقطه است و محتوای کلی قطعه مذکور نیز مدح غیاث الدین محمد است. بیت پایانی قطعه مذکور عبارتست از:

هست این ابیات خالی از نقطه غیر سلمان کس نگوید این نمط
حافظ علی بن نور نیز به استخراج بیت از توشیح و حشو مصاریع، عنایت خاصتری نسبت به سلمان ساوجی داشته است زیرا حافظ علی بن نور نه تنها به توشیح مصراع نخست بلکه به توشیح مصراع دوم نیز توجه داشته است در حالیکه سلمان فقط به مصراعهای اول پرداخته است؛ به جهت طولانی بودن ابیات قصیده حافظ علی بن نور، بیتهای مستخرج آن زیادتر از سلمان ساوجی است. متأسفانه در نسخه‌های خطی ابیات مستخرج از توشیحهای قصیده نیامده است لیکن بیت نخست آن چنین است:

شاه عالم شهریار ملک و ملت آنکه هست او خسرو والی نسب
(تنظیم نگارنده)

دوایر سته:

۱- دایره مجتلبه (که از سه بحر هزج، رجز و رمل تشکیل یافته است)

دایره مجتلبه در شعر حافظ علی بن نور با مصرع «دلت خوش باد از احسان به پایان» برگرفته از دو بیت است. و بحرهای مستخرج از مصراع فوق در سه بحر هزج مسدس محذوف و رمل مسدس

محدوف و رجز مسدس محدوف آمده است اما مصراع مستخرج از شعر سلمان عبارت از «مرا شد مدحت جاه تو زیب و زینت دیوان» است که بحور مستخرج از آن هزج مثنی سالم و رجز مثنی سالم و رمل مثنی سالم است. هیچ اختلافی در دو بحر دو مصرع نیست الا در سالم و محدوف و مثنی و مسدس.

۲- دایره مختلفه (مربک از سه بحر طویل، مدید و بسیط)

مصراع مستخرج سلمان عبارت از: «مرا اگر به تو رغبت نباشد عجب باشد» است که چهار بحر طویل و مدید و بسیط و عکس طویل از آن بدون زحاف بدست آمده است اما در قصیده حافظ علی بن نور مصراع مستخرج عبارت از «امان در جهانداری کرم بیکران داری» است که از آن بحر طویل و بحر بسیط و بحر مدید بدست آمده است. چنانکه دیده میشود حافظ علی بن نور از دایره مختلفه بحر عکس طویل را بدست نداده است. البته این بحر در قصیده بلند حافظ علی بن نور جایی ندارد.

۳- دایره مشتبهه (که از شش بحر سریع، منسرح، مقتضب، مضارع، مجتث و خفیف تشکیل یافته است)

در قصیده سلمان از تنها بیت آمده، مصراعی مستخرج است با این عبارت «ملک تو را شد ز عدل جاه تو را شد ز بدل» و از این مصراع، چهار بحر منسرح، مضارع، مقتضب و مجتث را استخراج نموده است. در قصیده حافظ علی بن نور نیز از دو بیت آمده مصراعی استخراج نموده است با این عبارت: «مهر تو را شد مطیع چرخ تو را شد غلام» و همان چهار بحر منسرح، مضارع، مقتضب و مجتث را همانند سلمان با زحاف بدست داده است. بنابراین هیچ اختلافی از این حیث ندارند.

۴- دایره متفقه (به نظر خلیل بن احمد تنها بحر متقارب است و بنا به قول ابوالحسن اخفش دو بحر متقارب و متدارک میباشد)

سلمان از یک بیت، مصراعی را با عبارت «تو را شد به دولت مسخر جهان» آورده است و دو بحر متقارب مسدس سالم و بحر متدارک را بصورت کامل بدون زحاف بدست داده است در شعر حافظ علی بن نور از دو بیت آورده شده، مصراعی با عبارت «وفاداری از بخت و دولت» آورده است. و بحر متقارب مسدس سالم و بحر متدارک مسدس سالم را بدست داده است. تفاوت این با سلمان تنها در مسدس و مثنی بودن متدارک است.

۵- دایره منتزعه (پنج بحر خفیف و سریع و جدید و قریب و مشاکل از این دایره استخراج میشود چون انتزاع بحرهای آن از دیگر بحور است آن را منتزعه گفته اند)

سلمان از یک بیت خود، مصراعی با عبارت «من نه سزایم به سخن در ثنات» استخراج کرده است و سه بحر سریع و جدید و خفیف را با زحاف بدست داده است؛ حافظ علی بن نور از دو بیت سروده خود مصراعی با عبارت «زد سر از اعدا به دم تیغ شاه» استخراج کرده و دو بحر بیشتر از سلمان

بدست داده است یعنی علاوه بر سه بحر سریع و خفیف و جدید بحرهای مشاکل و قریب را نیز از آن استخراج کرده است.

۶- دایره مؤتلفه (از دو بحر وافر و کامل تشکیل یافته است)

سلمان از یک بیت بند مربوط به این بخش، مصرعی با عبارت «سخن نرسد به کنه ثنای چون تو کسی» را استخراج کرده و دو بحر مسدس وافر و کامل را بدست داده است. حافظ علی بن نور نیز همانند سلمان از یک بیت مربوط به بند این صنعت شعری، مصرعی با عبارت «یکی به سخا مثال تو کس نشان ندهد»، را استخراج نموده و همانند سلمان دو بحر کامل و وافر را بدست داده است.

نتیجه:

بررسی تطبیقی دو قصیده مصنوع سلمان ساوجی و حافظ علی بن نور مینماید که حافظ علی بن نور در قصیده خود در شکل و فرم و محتوا به سلمان ساوجی نظر دارد و جای جای قصیده وی، تقلید از سلمان است. پختگی و سختگی شعر سلمان به درجه‌ای است که حافظ علی بن نور هرگز نتوانسته در تصویر آفرینی و ترکیب‌سازی خود را به استاد خود نزدیک سازد. مقایسه تطبیقی نمونه مثالها در فنون ادبی مینماید که گزینش و اختیار سلمان، قویتر از حافظ علی بن نور است. لیکن شعر حافظ علی بن نور در مباحث مربوط به صنایع ادبی و زحافات شعری از کمیت بیشتری برخوردار است و تعداد ابیات او نیز بیشتر از سلمان ساوجی است. بطور خلاصه نتیجه این تطبیق چنین است:

۱. محتوا و مضمون هر دو قصیده یکی است، هر دو با تغزل آغاز میشود و در مدح ممدوح با موضوعات مشترک.
۲. تعداد بند و ابیات قصیده حافظ علی بن نور یک سوم بیشتر از اشعار سلمان ساوجی است.
۳. تعداد صناعات ادبی شعر حافظ علی بن نور به مراتب بیشتر از سلمان ساوجی است و سلمان صناعات ادبی مهمی را در قصیده خود مهمل نهاده است.
۴. تعداد بحور عروضی در هر دو از حیث کمی یکسان است. در دو بحر اختلاف وجود دارد که سلمان آن را بکار برده است و به عکس بحر دیگری حافظ علی بن نور بکار داشته که شعر سلمان از آن بی بهره مانده است. تعداد بحور هر دو نوزده است لیکن سهم حافظ علی بن نور در بکارگیری زحافات شعری از حیث کمی قویتر از سلمان ساوجی است.
۵. زبان سلمان ساوجی سخته‌تر و شاعرانه‌تر از حافظ علی بن نور است و ترکیب و تصویر سلمان هنری است، چیزی که در شعر حافظ علی بن نور کمرنگتر است. ظاهراً هدف غایی حافظ علی بن نور بر این اندیشه استوار بوده است که قصیده‌ای بیافریند که سهم آن در کار بست صناعات ادبی کاملتر و فراگیرتر از سلمان و گذشتگان باشد و به همین جهت شعر او از حیث احساس و تخییل ضعیف است و قابل مقایسه با سلمان ساوجی نیست.

فهرست منابع:

۱. المعجم فی معاییر الاشعار العجم، شمس قیس رازی، بکوشش دکتر سیروس شمیسا، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
۲. بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، میرزا حسین واعظ کاشفی سبزواری، ویراستار دکتر جلال الدین کزازی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۶۹.
۳. تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، دکتر ذبیح اله صفا، تهران: انتشارات فردوس.
۴. ترجمان البلاغه، محمد بن عمر رادویانی، به تصحیح و اهتمام پروفیسور احمد آتش و ملک الشعرا بهار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲.
۵. جناس در پهنه ادب فارسی، دکتر جلیل تجلیل، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
۶. دیوان اهلی شیرازی، بکوشش حامد ربانی، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴.
۷. سیری در بدیع، حسین بهزادی اندوهجردی، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۳.
۸. فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض، حسین مدرسی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. قصیده‌های مصنوع در ادب فارسی، دکتر عباسعلی وفایی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۲.
۱۰. نسخه خطی شماره ۹۳۰۹، دانشگاه تهران.
۱۱. نسخه خطی شماره ۴۱۹۰، دانشگاه تهران.
۱۲. نسخه خطی شماره ۱۱۳۰، مجلس شورای اسلامی.
۱۳. نسخه خطی شماره ۲۱۲۹، مجلس شورای اسلامی.
۱۴. واژه نامه هنر شاعری، میمنت میرصادقی، تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۳.